جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ 5، شمـارهٔ 2، پاییز و زمستان 1392

نشانه‌های برهم‌کنش فرهنگی میان ایران و روم در ظروف سیمین دورهٔ ساسانی

سیدمهدی موسوی کوهپر[1*]، سجاد نوید[2]، جواد نیستانی[3]

(تاریخ دریافت: 91/4/4، تاریخ پذیرش: 92/9/12)

چکیده

با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، این منطقه از دورهٔ باستان همواره در تبادلات فرهنگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که گروه‌های اجتماعی زیادی با قوم‌ها و فرهنگ‌های گوناگون از این منطقه عبور کرده یا در آن ساکن شده‌اند؛ درنتیجه برهمکنش فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در میان آنان را در گذر تاریخ شاهدیم. یکی از مهم‌ترین بخش‌های مراودات فرهنگی شرق و غرب به روابط ایرانیان با یونانیان و رومیان در دوران تاریخی مربوط می‌شود که در مدت زمانی طولانی با هم در ارتباط بوده و از عناصر فرهنگی یکدیگر متأثر شده و در از آن‌ها در هنر بومی خود استفاده کرده‌اند. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی، به تحلیل موتیف «تیشتر» و «پگاسوس» به‌عنوان دو شخصیت اسطوره‌ای در فرهنگ ایران و یونان بر روی دو ظرف سیمین ساسانی می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: اسطوره، ایران، پگاسوس، تیشتر، ساسانی.

---

1. استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس *m_mousavi@modares.ac.ir
2. دانش‌آموختهٔ باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس
3. استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

Archive of SID
www.SID.ir

1. مقدمه

اسطوره کلمه‌ای معرب است که از واژهٔ یونانی historia به‌معنـای جسـت‌وجـو، آگـاهی و داسـتان گرفته شده است (آموزگار، 1381: 3). در زبان روزمره، اسطوره به‌معنای خیالی و غیرواقعـی بـه‌کـار می‌رود و این مفهوم اسطوره در ***فرهنگ انگلیسی آکسفورد*** ذکر شده کـه در آن، معنـای ایـن واژه بـا کلمات «روایتی که جنبهٔ افسانه‌ای محض دارد»، آغاز شده است (هینلز، 1382: 24). «اسطوره بینشی شهودی است، بینش جوامع ابتدایی و تفسیر آن‌ها از جهان به‌گونهٔ اسطوره جلوه‌گر می‌شـده اسـت. باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره‌ها آغاز می‌گردد و بعدها در زمان‌های متاخر بـه‌گونـهٔ ادیـان شکل می‌گیرد.» (اسماعیل‌پور، 1377: 14). اسطوره دین و دانش انسان نخستین و داشته‌های معنـوی اوست که بُنی دینی و فلسفی دارد؛ فلسفی نه به‌معنای امروزی‌اش؛ بلکـه فقـط اسـتدلالی تمثیلـی از پیرامون جهان (همان‌جا).

> اسطوره را باید داستان و سرگذشت (مینوی) دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیسـت و شـرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به‌صورت فراسـویی کـه دسـت‌کـم بخشـی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینـی پیونـدی ناگسسـتنی دارد (آموزگـار، 1381: 3).

اسطوره شناسی می‌تواند به شناخت و درک فرهنگ ملل مختلف و شناخت مشـترکات فرهنگـی و مذهبی اقوام مختلف بسیار کمک کند.

شواهد تاریخی و باسـتان‌شـناختی حکایـت از روابـط و تـأثیر متقابـل فرهنگـی، هنـری و اجتماعی فراوانی میان ایران، یونان و روم دارد. مطالعات تطبیقیِ شخصیت‌های اسطوره‌ای ایران و روم بیانگر وجود اشتراکات فراوانی در خصوصیات و عملکرد آن‌هاست کـه ازجملـهٔ آن‌هـا می‌توان به شخصیت گرشاسپ و هراکلس اشاره کرد (پورخـالقی و طبسـی، 1390: 35- 55). نشانه‌های این اشتراکات در نمونه‌های مختلف آثار هنری و معماری و تزیینات وابسته به آن‌هـا مشاهده می‌شود. از نمونه‌های شاخص که به‌طور شفاف این مراودات را بـه‌تصـویر مـی‌کشـد، ظروف زرین و سیمین دورهٔ ساسانی است که علاوه‌بر تمـام ویژگـی‌هـای هنـری و تـاریخی، اطلاعات ارزشمندی را درزمینهٔ تأثیر و تأثرات فرهنگی جوامع پیش‌گفته در اختیـار مـی‌گـذارد

Archive of SID

www.SID.ir

(Mousavi Kouhpar & Taylor, 2008). از همین منظر، در مقالهٔ حاضر می‌کوشیم با بررسی دو شخصیت اسطوره‌ای از دو فرهنگ مختلف روم و ساسانی- که روی دو ظرف سیمین این دوره تجلی یافته‌اند- به برهم‌کنش فرهنگی میان آنان بپردازیم. برای پرهیز از تکرار و سهولت در کار، ظروف مذکور را با عنوان ظرف شمارهٔ یک و ظرف شمارهٔ دو نام‌گذاری کرده‌ایم.

2. معرفی ظرف شمارهٔ یک

این ظرف (شکل 1) از گونهٔ بشقاب‌های مدوّری است که در دوران ساسانی نمونه‌های زیادی از آن‌ها دیده شده و از شکل‌های رایج و محبوب این دوره به‌شمار می‌آید. جنس آن از نقرهٔ زراندود است، در سدهٔ چهارم یا پنجم میلادی هم‌زمان با سلسلهٔ ساسانی در ایران ساخته شده و هم‌اکنون در موزهٔ هنری متروپولیتن نگهداری می‌شود (Ettinghausen, 1972: 11). «ظرف مذکور از زمان اولین انتشار به‌عنوان بشقاب دوقلوهای افسانه‌ای معروف شده است. در این ظرف دو جوان برهنه در کنار اسب‌هایشان، که درحال نوشیدن آب از چشمه هستند (در حقیقت کوزه نماد چشمه است) ایستاده‌اند.» (Ibid). در این تصویر، اسب‌ها روی دو قطعهٔ مستطیل‌شکل که نماد زمین است، قرار گرفته و به‌صورت بالدار نمایش داده شده‌اند. شخصی نیز کوزه‌ای را که نماد چشمهٔ آب است، بالای سر خود نگه داشته و دو جوان نیز در دست راست خود عصا یا نیزه‌ای را نگه داشته‌اند. در این ظرف، موهای این دو جوان برهنه به‌صورت مجعد تصویر شده است که تأثیر سبک رومی را نشان می‌دهد.

3. معرفی ظرف شمارهٔ دو

در ساخت این ظرف (شکل 2)، مانند نمونهٔ پیشین، از شکل بشقاب‌های مدوّر استفاده شده است. جنس آن از نقره، و دومین ظرف ساسانی با همان مضمون اصلی است که در موزهٔ

Archive of SID

www.SID.ir

متروپولیتن نگهداری می‌شود (Ibid). «در این بشقاب، اسب‌هـای بالـدار بـا بـال‌هـای گشـوده درحال نوشیدن نشان داده شده‌اند درحالی که پیکر دو جوان حذف شده اسـت.» (Ibid). ایـن اسب‌ها برخلاف نمونهٔ قبلی، روی دریا نقش شده‌اند و چنان‌که ملاحظـه مـی‌شـود، عـلاوه‌بـر جوانان، نوازندهٔ کوچک و شخصی که نماد چشمه بوده، حذف شده و به‌جای آن‌ها گیاهی کـه بسیار شبیه به درخت است، در وسط دریا روییده است. حد فاصل بین نگاره و لبهٔ ظرف نیز با نقش‌های گیاهی تزیین شده است.

4. پگاسوس

پگاسوس یا همان اسب بالدار یکی از شخصیت‌هـای معـروف اسـاطیر یونـان اسـت کـه داستان‌های آن همراه با بلروفون محبوبیت زیادی داشته و تصاویرش در آثار هنری بسیاری به نمایش درآمده است. در اساطیر یونـان، پگاسـوس زادهٔ مدوسـا و پوزیـدون اسـت. او زمانی‌که سر مدوسا به‌وسیلهٔ قهرمانی به‌نام پرسئوس بریده شد، از بدن او بـه‌وجـود آمـد (Luke & Monica, 2010: 388- 389). «گاهی گفته می‌شود که اسب در هنگـام مـرگ مدوسا از خون او بیرون جهیده اسـت.» (Hall, 1996: 31). چـون مدوسـا از پوزیـدون باردار بود، می‌توان گفت اسب مرهون خدایان بوده؛ درنتیجه بلروفون، یکـی از قهرمانـان یونان، آرزو داشت پگاسوس را رام کند (Grant & Hazel, 2002). با توجه بـه اسـاطیر یونانی، «آتنا به بلروفون افساری جادویی داد تا به‌وسیلهٔ آن پگاسوس را زمانی‌که از چشمه آب می‌نوشید اسیر کند.» (Luke & Monica, 2010: 389). پگاسوس با پاهـایی فـراخ همراه با بلروفون با آمازونیان جنگید و آن‌ها را شکست داد (Ibid). همچنین، آن‌ها موفق شدند بر هیولایی به‌نام کیمری پیروز شوند (Daly, 2009: 111). بنـابر اسـاطیر، چشـمهٔ هیپوکرنه در هلیکون که کوه ویژهٔ موزها بوده و بسیار مورد علاقهٔ شاعران است، از همان جایی فوران کرده که آن اسب سم بر زمین کوبیده است (همیلتون، 1376: 181).

Archive of SID

www.SID.ir

5. دیوسکور

دیوسکورها نیز از شخصیت‌های اساطیری یونان هستند که عملیات‌های بزرگی به‌نام آنان ثبت شده است و حتی یکی از صورت‌های فلکی را به آن‌ها نسبت می‌دهند. دیوسکورها نامی است که به کاستور و پولوکوس داده شده است. در اساطیر آمده که آن‌ها هرگز از هم جدا نشده و در تمام عملیات‌های بزرگ افسانه‌ای در کنار یکدیگر بوده‌اند (اسمیت، 1384: 218- 219). پولوکس و کاستور پسران دوقلوی لدا و زئوس یا تیندارئوس شاه اسپارت هستند. روایت‌ها دربارهٔ نسب و نامیرا بودن این قهرمانان اسپارتی مشکوک است. این دو همیشه به شکار، بوکس، کشتی و قایق‌رانی مشغول بودند. لیدا، همسر تیندارئوس شاه اسپارت که به قو تبدیل شده بود، از زئوس باردار شد. او تخم گذاشت که از یکی از آن‌ها پولوکس و کاستور و از دیگری خواهرانشان هلن و کلیتامنسترا به دنیا آمدند. بعضی منابع ادعا می‌کنند که فقط پولوکس پسر زئوس بوده و نامیرایی را از زئوس به ارث برد؛ اما پدر کاستور تیندارئوس بود؛ درنتیجه او فانی بود. هنگامی‌که کاستور مُرد، زئوس به درخواست پولوکس به آن نامیرایی داد. در آخر، این دو در بهشت جای گرفتند و به‌صورت فلکی دوپیکر تبدیل شدند (Luke & Monica, 2010: 139). آن‌ها سوارکاران ماهری بودند و در تصاویر همیشه سوار بر اسب سپید نشان داده شده‌اند. اما هومر کاستور را سوارکاری ماهرتر از پولوکس دانسته است (همیلتون، 1376: 54).

6. تیشتر

تیشتر یکی از ایزدان مهم دین زرتشت است؛ به‌گونه‌ای که یشت هشتم اوستا معمولاً به تیریشت معروف است. تیشتر در اوستا به‌صورت تیشتریه آمده، در پهلوی تیشتر و در فارسی تشتر می‌گوییم. تیشرینی اسم‌جمعی برای ستارگان است که در نزدیک تیشتر هستند و او را همراهی می‌کنند (پورداوود، 1377: 324). در گات‌ها اسمی از تیشتر نیست؛ ولی در سایر قسمت‌های اوستا اغلب به آن برمی‌خوریم. تیشتر همیشه در ردیف دیگر فرشتگان و ایزدان مانند مهر، آذر، آبان، امشاسپندان، فرّ آریایی و... می‌آید (همان، 325- 326).

Archive of SID

www.SID.ir

«تیشتر ایزد باران است که به‌صورت شعرای یمانی یا کلب اکبـر تجسـم مـی‌یابـد و نـزد اروپاییان سیروس نامیده می‌شود.» (مقامی، 1382). در ***بندهش*** آمده است:

> بس بی‌شمار ستارهٔ نام‌بردار، برای هم‌زوری و نیرودهندگی به آن اختران به‌سوی‌سوی و جای جای گمارده شد. چنین گویند که تیشتر سپاهبد شرق، سدویس سپاه نیمروز، ونند سپاهبد غرب، هفتورنگ سپاهبد شمال، (تیشتر) را میخگاه میان آسمانش خواند، سپاهبدان سپاهبد. آتش وازشت، باد و ابر همکـار و یـاور تیشـتر سـپاهبد شـرق‌انـد (فرنبغ‌دادگی، 1369: 44).

او کسی است که فرزند اعطا می‌کنـد، جـادوگران را درهـم مـی‌شـکند و سـرور همـهٔ ستارگان و حامی سرزمین‌های آریایی است (هینلز، 1379: 38). «تیشتر به‌یاری مینوی‌خرد و با همکاری ایزد باد، آب را به بالا می‌راند و به یاری ایزد برز (اپام نپات) و فروهر نیکان و به‌یاری ایزد هوم و بهمن امشاسپند به نبرد دیو خشکسالی مـی‌رود.» (آموزگـار، 1381: 24). با توجه به متون تیریشت درمی‌یابیم این ایزد در شکل‌های مختلفی تجلی پیدا کرده که یکی از آن‌ها به‌صورت اسبی سفید و زرین‌گوش است.

> در ده شب سوم ای اسپنتمان زرتشت تیشتر رایومند فرهمند ترکیب جسمانی پـذیرد به‌شکل یک اسب سفید زیبا با گوش‌های زرین و لگام زرنشان در فروغ پـرواز کنـد [...] آن‌گاه ای اسپنتمان زرتشت تیشتر رایومند فرهمند به پیکر اسب سفید زیبایی بـا گوش‌های زرین و لگام زرنشان به دریای فراخکرت فرودآید. به ضد او دیو اپوش به پیکر اسب سیاهی بدرآید. یک (اسب) کل با گوش‌های کل، یک (اسب) کل با گردن کل، یک (اسب) کل با دم کل، یک (اسب) گر مهیب [...] هردو ای اسپنتمان زرتشت تیشتر و دیو اپوش بهم درآویزند هر دو ای اسپنتمان زرتشت در مدت سه شب و سه روز با همدیگر بجنگند (پورداوود، 1377: 349- 351).

7. تحلیل نقش‌های ظرف شمارهٔ یک

با توجه به اسطورهٔ پگاسوس و نقش‌های بشقاب شماره یک می‌توان گفت این ظرف به‌گونه‌ای اسطورهٔ پگاسوس را بیان می‌کند و احتمالاً به‌دست هنرمندی غیرایرانی ساخته شده است. روح

Archive of SID

www.SID.ir

سبک رومی در تصاویر این ظرف و به ویژه نقش دوقلوها کاملاً مشهود است. در اینجا ارتباط پگاسوس با چشمهٔ آب نیز به‌روشنی دیده می‌شود. به‌نظر اتینگهاوزن: «این دو مدل، کاستور و پلوکس یعنی دیوسکوری‌ها هستند. همچنین نوازندهٔ کوچکی که در میان بال اسب‌ها قرار گرفته، صرفاً می‌خواسته فضای بالای نقش را پر کند.» (1972: 11). همچنین، به‌باور او: «هنرمندان ایرانی این اسطوره را نمی‌شناختند و در آن افسار طلایی را به کار نبردند. دراصل جوان و اسب سمت راست یک نقش هستند و آن‌هایی که در طرف چپ قرار گرفته‌اند، آن را قرینه می‌کنند که ماهیت اصلی موتیف‌های ساسانی است.» (Ibid). هارپر (1379: 129) نیز اعتقاد دارد این تصاویر شخصیت‌های کاستور و پلوکس را نشان می‌دهند و شخصی که کوزه را بالای سر نگه داشته، پری، صاحب چشمهٔ جوتورناست. اکنون پرسش اینجاست که چرا نقش اسب بالدار در هنر ساسانی حفظ شده؛ ولی نقش جوانان برهنه دیگر استفاده نشده است. اتینگهاوزن دلایلی را برای حذف جوانان مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

> یک ایرانی احتمالاً فکر می‌کرد جوانانی که اسب‌ها را نگه داشته‌اند، ملازمان پادشاه بوده‌اند و به این دلیل این ملازمان در نقش‌برجسته‌های ساسانی دیده می‌شوند و در آنان به یک نماد ثابت تبدیل شدند. ولی ملازمان شخصی دارای مقام پایینی بودند و می‌توانستند در نقش‌ها به آن‌ها توجهی نکنند. به‌علاوه، این اشکال مردان برهنه جذابیت و زیبایی در ایران نداشتند و حتی ازنظر قوانین قابل قبول نبودند (Ettinghausen, 1972: 15- 16).

اگرچه دلایل اتینگهازن دربارهٔ حذف دوقلوهای موجود بر ظرف شمارهٔ یک در صحنهٔ نقش بسته در ظرف شمارهٔ دو تا حد زیادی مورد قبول است؛ نکتهٔ مهمی که باید به آن توجه شود این است که ظرف شمارهٔ یک به‌لحاظ شکل ظاهری، دقیقاً اسطورهٔ پگاسوس را تداعی می‌کند و نگارندگان بر این باورند که بعید است در کارگاه‌های ساسانی یا توسط هنرمندان این دوره ساخته شده باشد. فرض نزدیک این است که مانند دیگر ظروف با موتیف‌های یونانی و رومی - که توسط هنرمندان رومی ساخته شده و بر اثر مراودات تجاری یا غنایم جنگی به‌دست ساسانیان رسیده است- این ظرف نیز به‌احتمال زیاد توسط هنرمندان غیرساسانی ساخته شده است. براساس این، هنرمند ساسانی به‌طور هوشمندانه، با مقایسهٔ تطبیقی و عملکردی شخصیت پگاسوس و تیشتر، ضمن حذف عناصری که در فرهنگ ایرانی پذیرش لازم را برای

Archive of SID

www.SID.ir

نمایش نداشته‌اند، از طرح کلی ظرف شمارهٔ یک به‌عنوان پیش‌طـرح بـرای تصـویر شخصـیت تیشتر بهره گرفته و ظرف شمارهٔ دو را که مطابق با باور و فرهنگ ساسانی است، تولیـد کـرده است.

8. تحلیل نقش‌های ظرف شمارهٔ دو

نقش‌های بشقاب شمارهٔ دو اسطورهٔ مبارزه میان تیشتر و دیو اپوش را نشان می‌دهد. زمـانی‌کـه تیشتر برای برداشتن آب به کنار دریای فراخکرت می‌رود، دیو خشکسالی در جلوی او ظـاهر می‌شود و نبردی بین آن‌ها درمی‌گیرد. شخصیت‌های اضافی مانند دوقلوها، نوازنده و کوزهٔ آب از نقش‌های این ظرف حذف شده و به‌جای آن درختی در وسط دریایی نقش شده کـه نشـان می‌دهد هنرمند قصد داشته است چشم‌انداز دریای فراخکرت را بازسازی کند. در هرمزدیشـت آمده است: «فروهر این مرد پاک را که موسوم است به اسموخوانونت می‌ستاییم پس از آن می‌خواهم که مثل مرد معتقدی (فروهرهای) سایر پاکدینان را بستاییم (فروهـر) گئوکرنـه توانـا و مزدا آفریده را می‌ستاییم.» (پورداوود، 1377: 65). به‌روایت ***بندهش***، این درخـت گـوکرن نـام دارد و در میان دریای فراخکرت قرار گرفته است. همچنین، از آن با نام هوم سپید یاد شده که در کنار چشمهٔ اردویسور رسته است و هرکه از آن بخورد، بی‌مـرگ مـی‌شـود (فرنبـغ‌دادگـی، 1369: 87).

ایزد تیشتر به سه گونه: مرد پانزده‌ساله، گاو زرین‌شاخ و اسب زرین‌گـوش تجلـی پیـدا کـرده است (آموزگار، 1381: 25). از جلوه‌های ظهور تیشتر در متون پهلوی، فقط مبـارزهٔ او بـا دیـو اپوش به‌تفصیل بیان شده و به حالات دیگر آن اشاره‌ای کوتاه شده است. در این مبـارزه، ایـزد تیشتر و دیو اپوش هر دو در قالب اسب؛ ولی با تفاوت رنگ ظاهر می‌شـوند؛ بـه‌گونـه‌ای کـه تضاد خیر و شر- که از اصول مذهبی این دوره به‌شمار می‌رود- به‌خوبی در آن نمایـان اسـت. این مبارزه در کنار دریای فراخکرت انجام گرفته است و چنان‌که اشاره شـد، درخـت گـوکرن نماد مهمی برای شناسایی دریای فراخکرت است. درنتیجه، دلایل پذیرفتنی‌ای در چرایی حذف نقش‌های جوانان، کوزه و نوازندهٔ کوچک در ظرف شمارهٔ یک و جایگزینی آن‌هـا بـا تصـویر درختی در ظرف شمارهٔ دو وجود دارد. از سوی دیگر، اسبانی که در ظرف شـمارهٔ یـک روی

Archive of SID

www.SID.ir

زمین قرار گرفته بودند، در ظرف شمارهٔ دو کاملاً در سطح آب به‌تصویر درآمدند. برمبنای این تفسیرها، ظرف شمارهٔ دو کاملاً مبارزهٔ تیشتر و دیو اپوش در کنار دریای فراخکرت را نمایش می‌دهد. بنابراین، می‌توان اسب‌های نقش‌شده در ظرف شمارهٔ دو را به ایزد تیشتر و دیو اپوش نسبت داد. بنابر آنچه گفته شد، این تصویرسازی، برخلاف نظریهٔ اتینگهاوزن، با ناشناخته بودن اسطورهٔ پگاسوس یا دیوسکوری‌ها نزد هنرمند ایرانی ارتباطی ندارد.

بررسی این دو نمونه بیانگر آن است که استفاده از مضامین و عناصر آیینی و اسطوره‌ای یونان و روم در آثار هنری ساسانیان امری پذیرفته‌شده بوده است و هنرمندان ساسانی بارها از این مضامین بهره گرفته‌اند. این تأثیرپذیری در بسیاری از آثار دورهٔ ساسانی دیده می‌شود. اما نکته مهم در این بررسی‌ها، شیوهٔ صحیح مطالعهٔ این نوع تعاملات فرهنگی در دنیای باستان است. مطالعات پیشین دربارهٔ عناصر و موضوعات غیرایرانی موجود در ظروف زرین و سیمین ساسانی- که پژوهشگران غربی انجام داده‌اند- بدون توجه به علل پیدایی عناصر بیگانه در هنر ساسانی، این امر را تقلید صرف هنرمند ساسانی از هنر یونان قلمداد می‌کرد (Mousavi Kouhpar & Taylor, 2008). چنان‌که پیشتر اشاره شد، اتینگهاوزن هم در مطالعهٔ ظرف شمارهٔ یک همین سنت را درپیش گرفت. مطالعات اخیر دربارهٔ وجود عناصر بیگانه در هنر ساسانی ضمن تأیید اینکه هنر ساسانی مانند هنر دیگر ملل ناچار از تعامل با فرهنگ‌های همجوار برای ادامهٔ حیات خود بوده است، بر این نکته تأکید دارد که هنرمند ساسانی در استفاده از مضامین آیینی و اسطوره‌ای دیگر ملت‌ها، همواره روشی هوشمندانه و انتخابی آگاهانه داشته است. به عبارت دیگر، هنرمندان آن دوره با آگاهی و اشرافی که به جایگاه و کارکرد شخصیت‌های دینی و اسطوره‌ای خود داشته‌اند، می‌کوشیدند نمونه‌های تصویرشده از شخصیت‌های متناظر را در هنر دیگر ملل جست‌وجو کنند و آن‌ها را به‌عنوان الگو و پیش‌طرحی برای به‌تصویر کشیدن شخصیت‌های مورد نظرشان به‌کار گیرند (Mousavi Kouhpar, 2004). نمونهٔ عینی این الگوبرداری را می‌توان در سه ظرف سیمین دورهٔ ساسانی مشاهده کرد که به‌نادرست، به موتیف‌های داینا‌سوس معروف شده‌اند؛ در این ظرف‌ها، هنرمند ساسانی توانسته است با دقت و هوشمندی، از یک موتیف کاملاً یونانی به‌عنوان الگو برای به تصویر کشیدن شخصیت مورد نظر خود (آناهیتا) بهره گیرد (Mousavi Kouhpar &

Archive of SID

www.SID.ir

Taylor, 2008). درواقع، می‌توان گفت هنرمند ساسانی در ساخت ظروف مورد مطالعه در این مقاله نیز دقیقاً از همان شیوهٔ موتیف‌های دایناسوس استفاده کرده است.

9. نتیجه

شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود بیانگر آن است کـه مـراودات فرهنگـی میـان ایـران و یونان- دو قدرت برتر دنیای باستان- امری گریزناپذیر و به‌رغم فرازوفرودهای موجود، پیوسته برقرار بوده است. در دوران استیلای سلوکیان، نفوذ عناصر هنری بیگانه در هنر ایران دوچندان شد که در آثار هنری پارتیان و تاحدودی ساسانیان دیده می‌شود؛ بـه‌گونـه‌ای کـه حتـی کتیبـهٔ اردشیر یکم در نقش‌برجستهٔ نقش رستم و کتیبهٔ شـاهپور یکـم در کعبـهٔ زرتشـت بـه‌صـورت سه‌زبانه- که یکی از آن‌هـا یونـانی اسـت- نگاشـته شـده‌انـد. در دوران اشـکانی، در رونـدی تدریجی، آثار هنری با رویکردی بومی تولید شد. در دوران ساسـانی، ایـن حرکـت بـا شـتاب بیشتری ادامه یافت. در همین روند، مشاهده می‌شود که بـومی‌سـازی عناصـر هنـری بیگانـه و استفاده از آن‌ها به‌عنوان نمونه‌های پیش‌طرح برای به‌تصویر کشیدن شخصیت‌هـای اسـطوره‌ای بومی مورد نظر با دقت و مهارت لازم به اجرا درآمده است.

مقایسهٔ نقش‌های این دو ظرف نشان می‌دهد هنرمند ساسـانی در آثـار خـود کورکورانـه از نمونه‌های دیگر تقلید نکرده و با توجه به شناختش از فرهنگ و اساطیر بومی، از مضامینی بهره گرفته است که با تصویر ذهنی هنرمند از شخصیت مورد نظر و فرهنگ ایرانی بیشترین قرابـت را داشته باشد. همان‌گونه که در این دو نمونه نیز دیده می‌شود، پگاسوس به‌دلیل همانندی‌هـای عملکردی و فیزیکی زیادی با ایزد تیشتر، مورد استفاده قرار گرفته و در قالب ایزد ایرانی تجلی یافته است؛ ازاین‌رو در اثر نهایی که به‌دسـت هنرمنـد ساسـانی سـاخته شـده، هـیچ نشـانی از شخصیت پگاسوس یونانی دیده نمی‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

شکل 1 ظرف شمارهٔ یک

(هارپر، 1377)

Archive of SID

www.SID.ir

شکل 2 ظرف شمارهٔ دو

(Ettinghausen, 1972)

Archive of SID

منابع

- آموزگار، ژاله (1381). ***تاریخ اساطیری ایران***. چ5. تهران: سمت.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (1377). ***اسطوره بیان نمادین***. تهران: سروش.
- اسمیت، ژوئل (1384). ***فرهنگ اساطیر ایران و روم***. ترجمهٔ شهلا برادران خسروشاهی. تهران: نشر روزبهان.

www.SID.ir

- پورداوود، ابراهیم (1377). ***یشتها***. ج1. تهران: اساطیر.
- پورخالقی چترودی، مه دخت و حمید طبسی (1390). «گرشاسپ و هراکلس (بحثی در اسطوره‌شناسی تطبیقی)». ***مطالعات ادبیات تطبیقی***. س5. ش16. صص35- 55.
- فرنبغ‌دادگی (1369). ***بندهش***. محمدجواد مشکور. تهران: دنیای کتاب.
- مقامی، نسرین (1382). «تیشتر خدای باران، پیک خدایان». ***کتاب ماه هنر***. ش57 و 58. صص136- 138.
- هارپر، پرودنس (1377). ***سیمینه‌های درباری ساسانیان، اوج‌های درخشان هنر ایران***. ترجمهٔ ریچارد اتینگهازن و احسان یارشاطر، هرمز عبداللهی و رویین پاکباز. تهران: آگاه.
- همیلتون، ادیت (1376). ***سیری در اساطیر یونان و رم***. تهران: اساطیر.
- هینلز، جان (1382). ***شناخت اساطیر ایران***. ترجمهٔ آموزگار و تفضلی. چ8. تهران: نشر چشمه.
- Daly, K.N. (2009). *Greek and Roman Mythology A to Z*. Chelsea house.
- Ettinghausen, R. (1972). *From Byzantium to Sasanian Iran and the Islamic World*. Leiden E.J. Brill.
- Grant, M. & J. Hazel (2002). *Who's Who in Classical Mythology*. Rutledge.
- Hall, J. (1996). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western*, Westview.
- Luke, R. & Monica (2010). *Greek and Mythology*. Facts on File.
- Mousavi Kouhpar, S.M. (2004). *Sasanian Figural Silverwork: Imitation, Innovation and the Transformation of Meaning*. Ph.d Thesis. Department of Archaeological Sciences. Bradford University.
- Mousavi Kouhpar, S.M. & T. Taylor (2008). "The Triumph of Dionysus? A Metamorphosis in Sasanian Silverwork" in *Proceeding of International Conference of Current Research on Sasanian Archaeology and History*, Bar International Series, Oxford.

Archive of SID

www.SID.ir